

نگاهی به

فهرست ابن ندیم

یوسف حسین بکار ترجمه، حسین علی نقیان



کتاب الفهرست لابن ندیم. تحقیق: محمدرضا تجدد، ۱۶۴+۱۷۴+۲۲۵ ص، رطی.

در رشته های گوناگون علمی به زبان و خط عربی موجود بوده، با اخبار مصنفان و طبقات مؤلفان و سلسله خانوادگی و تاریخ تولد و دوره زندگانی و زمان وفات آنها و شهرهایی که در آن اقامت داشته و صفات نیکو یا ناپسندی که داشته اند، از ابتدای پیدایش هر علم تا این زمان که سال سیصد و هفتاد و هفت هجری است». (مقدمه، ص ۳).

محقق فاضل نسبت به مسئولیت سنگین و مهم کار خود، اشعار داشته، با توأضعی تمام در مقدمه می گوید: «با این وجود، به صراحت می گویم که کتاب همچنان نیازمند تدقیق، بررسی و تحقیق است.»

با توجه به این نکته که خود مصحح بدان تظن یافته و نیز به این اعتبار که او خود نسبت به ترجمه این چاپ به زبان فارسی اقدام نموده^۲ و در مقدمه (ص ب) گفته است: «... چاپ فلوگل را برای مقابله و برشماری لغزش های آن قرار دادم و اختلافات آن چاپ را با این نسخه با علامت (ف) نشان داده ام...»^۳ و نیز نظر یکی از مصححان بزرگ عرب یعنی استاد سید احمد صقر که گفته است: «من معتقدم که تمامی خوانندگان کتب قدیمی باید

چه زیاست که غیر عرب های آشنا به زبان عربی و علوم و آداب آن در تصحیح و انتشار کتاب های تمدن اسلامی عربی با محققان عرب مشارکت می نمایند و این آثار را از تاریکی ها به روشنایی ها می برند تا دانشمندان و محققان در زمینه های مختلف تخصصی خود از آنها بهره مند شوند. بهترین نمونه این مشارکت موفق، تصحیح و انتشار کتاب الفهرست ابن ندیم توسط مرحوم استاد محمدرضا تجدد است که در جستجوی نسخه های خطی کتاب و به جنگ آوردن آنها از جاهای مختلف - چنانچه در مقدمه گفته - تلاش و سرمایه فراوان به خرج داد.

تصحیح در حد خود، مسئولیتی سترگ و باری سنگین و مهم به شمار می آید. اما چگونه است که مؤلف در کتاب موسوعه ای چون الفهرست، به یک علم بسنده نموده، صدها نفر از شخصیت های علمی در شاخه های مختلف آن را لیست بندی کرده و به یک کتاب واحد اکتفا نکرده است و هزاران کتاب در موضوعات و تخصصات مختلف را از کهن ترین ایام تا به زمان خود معرفی و عرضه نموده است. کتاب الفهرست چنانکه خود می گوید: «فهرست کتاب های تمامی امت ها - از عرب و عجم - است که

۱. این مقاله ترجمه ای است از:

نظرات فی فهرست ابن ندیم (تحقیق: محمدرضا تجدد)، الدكتور یوسف حسین بکار (جامعه نیویورک - اربد الاردن)، مجله المورد، المجلد ۹، العدد ۳.

کتاب الفهرست به تصحیح مرحوم تجدد در سال ۱۳۵۱ ش (۱۹۷۱ م) در دانشگاه طهران به چاپ رسید.

۲. این کتاب تاکنون دوبار در تهران به چاپ رسیده است.

۳. در این مقاله از چاپ فلوگل با حرف (ف) و از چاپ مصر با حرف (م) یاد می کنیم.



به ناشر کمک کنند و لغزش‌ها و خطاها [ی این آثار] و ملاحظات خود را در مورد آنها ابراز دارند تا در نتیجه مشارکت علمی، کتب عربی از شائبه‌های تحریف و تصحیف که به دست ناسخین قدیمی و ناشران کنونی رخ می‌دهد، رهایی یابد.^۴

با توجه به تمامی این ملاحظات، به ضرورت نگارش این مقاله پی بردم تا مصحح را در انجام مسئولیتش یاری دهم و نه از باب نقد؛ بلکه به جهت بیان پاره‌ای ملاحظات آن را ارائه دهم تا سهمی ولو اندک در خالی ساختن کتاب از آفات بسیار تحریف که به دست ناسخان قدیمی و ناشران جدید رخ داده، داشته باشم. این گونه مشارکت هدفمند و سازنده، موجب خواهد شد که امهات کتب تمدن ما به صورت آغازین و مدون اولیه خود نزدیک‌تر شود.

کتاب الفهرست قبل از این چاپ، دوبار به چاپ رسیده بود: چاپ اول آن به تصحیح مستشرق آلمانی گوستاو فلوگل^۵ با تعلیقاتی از جوهرانس رودیگر^۶ و موللر^۷ در قالب دو جلد (لایپزیک ۱۸۷۱-۱۸۷۲ م) به سامان رسید و چاپ دوم آن توسط مکتبه رحمانیه در قاهره (۱۳۴۸ هـ / ۱۹۳۰ م) به اتمام رسید. محققان نیز بسیار به خطاها و اوهام و تحریفات این دو چاپ به ویژه چاپ مصر اشاره کرده‌اند.

اما چاپ کنونی که مورد صحبت ماست علی‌رغم تلاش‌هایی که مصحح مبذول داشته و بایسته تقدیر و تمجید و امتنان است نیز از آنچه بر دو چاپ قبلی عارض شده خالی نمانده است. حق آن است که این چاپ دارای مزایا و ویژگی‌های منحصر به فرد است، اما ملاحظات و اشکالاتی نیز دارد که به صورت کوتاه به آن اشاره می‌کنم.

ویژگی‌ها و مزایای کلی

ستودن مصحح و چاپ و تصحیح او دلایل زیادی دارد که مهم‌ترین آن بدین قرار است:

۱. مصحح به چاپ فلوگل و چاپ مصر - به جهت تکمله آن - اطمینان نکرده و سعی نموده است که تمامی نسخه‌های کتاب را جمع‌آوری کند. او بر نسخه چستریتی^۸ دویلن و نسخه شهید علی پاشا در کتابخانه سلیمانیه استانبول و دیگر نسخه‌ها اعتماد کرده و چاپ فلوگل را برای موازنه و مقابله، اساس قرار داده و در مقدمه به آن اشاره کرده است.

۲. شاید از مهم‌ترین مزایای این چاپ، زیاداتی است که مصحح از طریق نسخه‌های مختلف بدان دست یافته است. بیشترین این زیادات مربوط به مقاله پنجم کتاب، به ویژه فن اول آن است. این زیادات قبلاً به چاپ نرسیده بود و مصحح در آغاز

فن اول از مقاله پنجم (ص ۲۰) اشاره داشته که این زیادات از ص ۲۰۱ تا ۲۱۸ از نسخه خطی (شماره ۳۳۱۵) مستشرق انگلیسی (گیب/Gibb) بوده است؛ در عین حال مصحح به اینها اکتفا ننموده و اضافاتی مربوط به متکلمین معتزلی از تراجم آنها افزوده است. این اضافات در آخر چاپ مصر با عنوان (تکلمة الفهرست) انتشار یافته و شامل موضوعات ذیل می‌شود:

- الف. لم سمیت المعتزله بهذا الاسم؟ (ص ۲۰۱)؛
- ب. ذکر اول من تکلم فی القدر والعدل والتوحید (۲۰۱)؛
- پ. اسماء من اخذ عنه العدل والتوحید (۲۰۲)؛
- ت. الحسن بن ابی الحسن البصری (۲۰۲)؛
- ث. واصل بن عطاء (۲۰۲-۲۰۳)؛
- ج. عمرو بن عبید (۲۰۳)؛
- چ. تسمیة من اخذ عن عمرو واصل (۲۰۳)؛
- ح. ابوالهذیل العلاف (۲۰۳-۲۰۴)؛
- خ. من اصحاب ابی الهذیل (۲۰۵)؛
- د. الاسواری (۲۰۵)؛
- ذ. بشر بن المعتمر (۲۰۵)؛
- ر. النظام (۲۰۵-۲۰۶)؛
- ز. الدمشقی (۲۰۶)؛
- س. عیسی بن صبیح المراد (۲۰۶-۲۰۷)؛
- ش. معمر السلمی (۲۰۷)؛
- ص. نامه بن اشرس (۲۰۷-۲۰۸)؛
- ض. جعفر بن مبشر (۲۰۸)؛
- ط. الجاحظ ابو عثمان و ما استحسنة من کلامه و کتبه و رسائله (۲۰۸-۲۱۲)؛

- ظ. احمد بن ابی داوود (۲۱۳)؛
- ع. الاسکافی، ابن الاسکافی (۲۱۳)؛
- غ. جعفر بن حرب (۲۱۳)؛
- ف. ذکر قوم من المعتزله ابدعوا و تفردوا و هم: الاصم، القوطی، ضرار بن عمرو؛ عباد بن سلمان، ابوسعید الحضری، ابو حفص الحداد، عیسی الصوفی، ابوعیسی الوراق، ابن الروندی، والناشی الکبیر (۲۱۴-۲۱۷)؛

در آخر صفحه ۲۱۷ اضافات نسخه گیب پایان می‌یابد و

۴. مقدمه احمد صقر در کتاب *مقاتل الطالبین ابو الفرج اصفهانی*، ص: ش: چاپ البابی الحلبی، قاهره ۱۹۴۹.

- 5. Custav Flugel
- 6. Johannes Reodiger
- 7. August Muller
- 8. Chesterbeaty

اخبار قراء آمده است. در آن دو نسخه در قسمت اسامی حدود [قراء] آمده: «حد ملازمه رجل» کذا؛ اما مصحح در نسخه خود آن را اصلاح نموده و چنین ثبت کرده است: «حد منذ و مذوهل» (ص ۷۴).

ج. در اخبار ابوحنیفه دینوری (ص ۸۶)، ابن ندیم کتابی از او با عنوان (الرد علی لغذه الاصفهانی) ذکر کرده در حالی که در دو نسخه دیگر [مصر و فلوگل] این کتاب با عنوان: (الرد علی رصد الاصفهانی) آمده است.

د. در اسامی ای که از ابوالاسود دوئلی فرا گرفته اند، نام «میمون الاقرن» آمده، در حالی که در دو نسخه (ف) و (م)، «میمون بن الاقرن» ذکر شده است^{۱۴} و درست آن ضبط استاد تجدد است که با تکیه بر کتاب مرآة النحویین (ص ۱۱) آن را آورده است.

نمونه های این برتری ها زیاد است، به طوری که هر کس با مقایسه بین این چاپ و دو چاپ قبلی، آن را به وضوح درمی یابد. اما مصحح با وجود این، در برخی مسائلی که در دو نسخه قبلی به صورت صحیح آمده است، دچار خلط و اشتباه شده که نمونه های آن را خواهیم آورد.

۴. به جز چند خطای مطبعی، در تهیه فهرس کتاب که شامل موضوعات، اعلام، قبایل، طوایف، اماکن، شهرها و کتاب ها می شود، دقت و ظرافت به کار برده است. این فهرس، محقق را در راه یابی سریع و آسان به مطلب مورد نیاز خود بدون تلاش و سختی، یاری می دهد.

۶. لیست خطا و صواب ملحق به کتاب. این لیست علی رغم فواید آن، اندک است، زیرا خطاهای دیگر مطبعی چندین برابر خطاهای یاد شده بوده و در لیست مذکور نیامده است.

۹. ر. ک: مقدمه او بر کتاب التاج فی اخلاق الملوک، منسوب به جاحظ، ص ۴۳-۴۴.

۱۰. مقدمه او بر کتاب الحيوان، ج ۱، ص ۲۱، چاپ اول، قاهره ۱۹۳۸.

۱۱. لسان المیزان، ج ۴، ص ۲۵۷، چاپ اول، حیدرآباد-دکن، هند ۱۳۲۹ هـ.

۱۲. منسوب به توز از بلاد فارس.

۱۳. بنگرید به: شرح ما یقع فیہ التصحیف والتحریف، ص ۹۲ از تصحیح عبدالعزیز احمد، قاهره ۱۹۶۳؛ المزهر، ج ۱، ص ۴۰۷، تصحیح جاد المولی و دیگران؛ مراتب النحویین، ص ۷۵، از ابوطیب لغوی، تصحیح ابوالفضل ابراهیم (بلا تاریخ)؛ اتیاه الرواه، ج ۲، ص ۱۲۶ از قفطی، تصحیح ابوالفضل ابراهیم، چاپ دارالکتب قاهره ۱۹۵۰.

۱۴. نیز بنگرید به: المصون فی الادب ۱۹۱؛ اتیاه الرواه، ج ۳، ص ۳۳۷؛ معجم الادیاء، ج ۱۹، ص ۲۰۹-۲۱۰.

صفحه ۲۱۸ به مانند نسخه فلوگل، با واسطی آغاز می شود. اما مصحح در نسخه هند به اضافاتی دیگر قبل از شرح حال واسطی دست یافته، آن را در چاپ خود اثبات می کند. این اضافات شامل اخباری از این افرادند: بردعی، شطوی، حارث الوراق، ابوقاسم بلخی، صیمری، باهلی، احمد بن یحیی منجم (ص ۲۱۸-۲۲۰). همچنین کمی اضافات متفرقه دیگر در لابه لای کتاب به چشم می آیند که بیشترین آنها اسامی کتاب ها می باشد، مانند کتاب (الکلاب الاول والکلاب الثانی) (ر. ک: لیست کتاب هشام الکلبی، ص ۱۱۰).

با وجود این، مصحح در نسخه ای که بر آن تکیه کرده، نقص فاحشی می یابد و آن را از چاپ فلوگل حرف به حرف، کامل می کند (نگر: هامش، ص ۱۷). این اضافات مؤید درستی نظر کسانی است که معتقدند نسخه هایی که از کتاب الفهرست - قبل از این نسخه - چاپ شده اند، ناتمام و ناقص بودند. اولین شخصی که قایل به این نظر شد، مرحوم احمد زکی پاشا بود که وقتی دید کتاب الفهرست با این حجم، تقریباً از جاحظ کتابی ذکر نموده، تعجب می کند.^۹ دنبال او استاد [مرحوم] عبدالسلام هارون می گوید: «عجیب است که خواننده در فهرست ابن ندیم تقریباً چیزی از آثار جاحظ جز به صورت گذرا و عرضی نمی بیند با اینکه ابن ندیم از اساطین و راقی بوده و برجسته ترین متخصص در فن کتابشناسی و کتابخانه ها بوده است».^{۱۰} آن گاه شیخ عربیت آن را با نص ابن حجر عسقلانی تأیید می کند: «ابن ندیم کتب جاحظ را به تعداد یکصد و هفتاد و اندی گزارش کرده است».^{۱۱}

۳. پای بندی به رعایت دقت، ثانی و ترتیب و نظم در اعلام و اخبار.

۳. مصحح توانسته است که بسیاری از تحریفات و تصحیفات دو نسخه قبلی را خواه در اسامی اعلام و خواه در اسامی کتاب ها و یا الفاظ، جملات و عبارات، اصلاح نمایند. مانند این موارد:

الف. توزی - به تای مشدد - (عبدالله بن محمد بن هارون) ص ۶۵، در دو نسخه دیگر: ثوری - به تاء - آمده است. توزی یا همان توجی،^{۱۲} شاگرد ابو عبیده بوده است.^{۱۳}

ب. اصلاح خطاهایی که در دو نسخه فلوگل و مصر در مورد

ملاحظات و اشکالات کلی

آنچه می تواند در عداد هفوات کلی به حساب آید، شامل موارد ذیل می شود:

۱. تصحیح، انتقال متن از نسخه ها و بردن آنها به چاپخانه برای چاپ کتاب نیست. تصحیح، تلاش و کوشش و رنج و زحمت است. تصحیح، زدودن مبهمات و کشف امور پیچیده و جستجو برای اثبات صواب و یا نزدیک به صواب و آگاهی سازی نسبت به آن است. اما محقق فاضل چنین می نماید که هدف اولش این بوده که همه آنچه را که در نسخه های مورد اعتماد یافته، انتقال دهد و در نتیجه اینکار، امور بسیاری را به عنوان خطا برشمرد. حال آنکه آنها درست و بدون اشکال بوده اند. نیز در هوامش - چنانکه در مقدمه تصریح داشته - چیزهایی را که به ظن خود با نسخه فلوگل مطابقت نداشته، ضبط نموده است. بدین روی، تعلیقات و حواشی او در هوامش، بسیار اندک بوده و جایگاه مناسبی برای ذکر آنها نبوده است. چه، بسیاری امور و مسائل از اشاره و تنبیه مصحح خالی مانده است به اضافه اینکه برای مقایسه و به دست دادن خطاهای کتاب ها بسنده کردن به نسخه فلوگل کافی نخواهد بود.

۲. مصحح، کتاب پاره ای از اموری را که جزء اصول کار یک مصحح است، رعایت نکرده است. مثلاً ابیات کتاب را مصدريابی ننموده و آنها را با منابع دیگر مقایسه نکرده است. همچنین او برای یکبار هم که شده در جهت جبران نقایص و خطاهای مربوط به اسامی اعلام و تاریخ تولد و وفات آنها و مانند آن، تلاش ننموده است. حال آنکه در صورت بهره مندی از منابع مربوط، اینکار به سهولت انجام می گرفت. اما ما به جهت کثرت این دست نقایص و پراکندگی زیاد آن که اصلاحش از عهده یک مصحح خارج است، عذر او را می پذیریم.

۳. انتظار می رفت که مصحح فارسی زبان، نسبت به ترجمه اسامی برخی کتاب های فارسی به عربی اقدام می نمود تا خواننده عربی به آنها آگاهی و شناخت پیدا می کرد. چنانکه معانی پاره ای از کلمات فارسی را به عربی توضیح داده است. مثلاً در هاشم، ص ۸۴ گفته: «نزک، واژه ای است فارسی به معنی لطیف.» و چقدر مفید و جالب بود که مصحح، معانی برخی اسامی کتب فارسی را این گونه ترجمه می کرد. مثل کتاب «هزارستان» به معنی الف قصه (ص ۳۵۴)؛ خاصه اینکه این ندیم خود نسبت به ترجمه برخی از عناوین اقدام نموده است. مثلاً در موضوع قلم فارسی (ص ۱۵) گفته: الکل شاه و معناه ملک الطین (= پادشاه گل).

ملاحظات و اشکالات خاص

اینها خصایص و مزایا و نیز ملاحظات و اشکالاتی کلی بودند؛ اما ملاحظات و اشکالات خاص، زیاد و شاخه به شاخه و پراکنده هستند و ترجیح دادم که آنها را باب بندی نموده، در عناوین و موضوعات آن محدود نمایم تا بتوانم هر یک را تفصیل دهم:

۱. نقطه گذاری؛
۲. ملاحظاتی در مورد اسامی اعلام و القاب آنها؛
۳. ملاحظاتی در مورد اسامی کتاب ها؛
۴. ملاحظاتی درباره اشعار؛
۵. ملاحظاتی پیرامون الفاظ، جملات و عبارات؛
۶. ملاحظاتی زبانی و نحوی؛
۷. ملاحظاتی املائی و مطبعی.

۱. نقطه گذاری

تنقیط یا Punctuation در اصطلاح انگلیسی یا همان نقطه گذاری در زبان فارسی از مهم ترین اموری است که در نوشتار و تصحیح، بایسته توجه و رعایت است؛ زیرا کم دقتی نسبت به آن باعث بسیاری از اشکالات و اشتباهات می شود. اما هرچه هست، نقطه گذاری در این چاپ، بسیار بیشتر از دو چاپ قبلی رعایت شده است.

موارد کم توجهی نسبت به نقطه گذاری در این نسخه، بسیار است که به ذکر نمونه های ذیل اکتفا می کنم:

الف. در بخش ارائه کتاب های مدائنی (قسمت کتب وقایع او، ص ۱۱۵) آمده: «کتاب سلم، ابن قتیبه و روح ابن حاتم.» که صحیح آن بدون نقطه بوده و چنین است: «کتاب سلم بن قتیبه و روح بن حاتم.»

ب. در بخش مربوط به ابن سعدان و کتب او آمده: «وله من الکتب، کتاب الخیل، رأیته لطیف» (ص ۸۷). نوشتن عبارت با این شکل، موجب اشتباه در بعد از فعل «رأی» می شود. صحیح عبارت، بر این اساس، این است که «لطیف»، منصوب باشد، چنان که در دو نسخه (ف) و (م) نیز چنین است. اگر قواعد نقطه گذاری رعایت می شد و عبارت به این صورت می آمد: «وله من الکتب: کتاب الخیل، رأیته لطیف»، به آسانی از ایجاد اشتباه جلوگیری می شد. این ندیم در کتابش برای کتاب هایی که

ابو عبدالله محمد بن بشار (کذا)؛ که صحیح آن: محمد بن اسحق بن یسار است. ۲۴

ص ۱۳۹: در اسامی خطبای، نام «ابن القسریه» (کذا) آمده است که صحیح آن: ابن القریه است. جاحظ در مورد او گفته: «وقد يبلغ الفارس و الجواد النغايه في الشهره و لا يزرق ذلك الذكر و التئويه بعض من هو اولی بذلك منه. الا ترى ان العامه ابن القریه عندها شهر في الخطابه من سبحان وائل» ۲۵
 نام ابن القریه، ایوب بن زید است. و القریه (به کسر قاف و راء مشدد و مکسور)، جد مادری او بوده یعنی: جماعه دختر چشم بن ربیع. ۲۶ ابن القریه، از طرف مادر، عرب بوده و جزء خطیبان مشهور به فصاحت و بلاغت به شمار می رفته است. ۲۷ می گویند که حجاج او را در سال ۸۱ هجری به قتل رساند. ۲۸

۱۵. لسان العرب (لطف)؛ نیز ر. ک: دکتر حسین نصار، المعجم العربی، ج ۱، ص ۴۱، چاپ دار مصر للطباعه، قاهره ۱۹۶۸.
۱۶. گفتنی است که مرحوم تجدد در ترجمه الفهرست این فقره را بر اساس ضبط درست عبارت عربی، برگردان کرده است: «... و کسی که او را دیده به من گفت: دست هایش از کسار افتاده است...» ر. ک: الفهرست... ترجمه محمدرضا تجدد، انتشارات اساطیر، اول ۱۳۸۱، ص ۲۲۷. (مترجم)
۱۷. ممکن است به ذهن خواننده این گونه متبادر شود که بخشی از ملاحظات و موضوعاتی که در این قسمت ارائه می شود، مربوط به خطاهای مطبعی می شود. حال آنکه اینطور نیست؛ زیرا مصحح در هوش بر اساس موازنه و مقایسه با نسخه (ف) به عکس آن اشاره می نماید که بیشترین - و یا تمامی آن - خطا و اشتباه است.
۱۸. کذافی: بغیة الوهاه، ص ۲۱۹؛ در (ف) و (م): النقاد.
۱۹. معجم الادباء، ج ۸، ص ۱۰۹.
۲۰. بغیة الوهاه، ص ۲۱۹، چاپ السعاده، اول قاهره ۱۳۲۶.
۲۱. معجم الادباء، ج ۱، ص ۱۴۹.
۲۲. حاجی خلیفه کتاب را به اشتباه به خود زجاج منسوب کرده و آن را جامع المنطق نامیده است (کشف الظنون، ج ۱، ص ۵۷۵). حال آنکه صاحب الفهرست (ص ۶۶) و مترجمان زجاج، کتاب مافسره من جامع المنطق را از او دانسته اند.
۲۳. انباه الرواه، ج ۱، ص ۱۶۴.
۲۴. تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۲۱۴، چاپ دارالکتاب العربی، بیروت (بلا تاریخ)؛ معجم الادباء، ج ۱۸، ص ۵؛ وفيات الاهیان، ج ۳، ص ۴۰۵.
۲۵. البیان والتبیین، ج ۱، ص ۲۰-۲۱، تصحیح عبدالسلام هارون، چاپ اول قاهره ۱۹۴۸. در صفحات ۲۹۸، ۳۵۰، ۱۱۲ از همان جلد اول نیز اسم او را تکرار نموده است.
۲۶. ابن قتیبه او را به مادرش منسوب کرده، نه مادر بزرگش. (کتاب المعارف، ص ۵۹۸، تصحیح ثروت عکاشه، چاپ دارالکتب، قاهره ۱۹۶۰).
۲۷. نیز ر. ک: وفيات الاهیان، ج ۱، ص ۲۲۷-۲۲۲.
۲۸. مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۴۷، تصحیح محمد محیی الدین عبدالحمید، مطبعه السعاده بمصر، چاپ دوم ۱۹۴۸؛ نیز ر. ک: در اخبار او با حجاج در همین جلد، ص ۱۸۱.

خود در جاهای متعدد دیده این عبارت را به کار برده است. «معنای لطیف در اینجا یعنی: کوچک». ۱۵
 ج. در بخش مربوط به (الباحث عن معنای العلم) یعنی محمد بن سهل مرزبان کرخی آمده: «وقال لی: من رأه انه اشل الید...» (ص ۱۵۲). صحیح عبارت چنین است: «وقال لی من رأه: انه اشل الید...». ۱۶

۲. ملاحظات در اسامی و القاب اعلام

بسیاری از اسامی و القاب در این چاپ، تحریف شده اند؛ زیرا مصحح خود را زیاد به زحمت نینداخته که آنها را در منابع مختلف بررسی نموده و از صحت آن مطمئن شود. این اسامی را، وی بر اساس مخطوطات قبلی و بیشتر بر اساس مقایسه با چاپ فلوجل ضبط نموده است. اینها نمونه هایی از این دست اشتباهات هستند:

ص ۲۵: (النقار) ۱۸ - به نون - (همان ابو علی حسن قرشی) است، که یاقوت حموی او را (بقار) ملقب کرده است (معجم الادبا، ج ۸، ص ۱۰۹). نیز صاحب الفهرست، کتاب (اللغه و مخارج الحروف و اصول النحو) را به او نسبت داده حال آنکه یاقوت ۱۹ و سیوطی، ۲۰ این کتاب را (اللغه فی مخارج الحروف و اصول النحو) ذکر کرده اند.

ص ۶۴: (اخبار مبرد): اسم او: محمد بن یزید بن عبدالاکبر بن عمیر بن حسان (کذا) ضبط شده است. حال آنکه در معجم الادبا (ج ۱۹، ص ۱۱۱) و در (ف) و (م) به صورت: (حسان) آمده است.

ص ۶۶: در اخبار زجاج آمده است: «وکان سبب اتصاله بالمعتضدان بعض الندماء وصف للمعتضد کتاب جامع النطق الذی عمله محبره (کذا) الندیم، و اسم (محبر) محمد بن یحیی بن ابی عباد، و یکنی اباجعفر». ۲۱

اما به نظر من روایت قفطی در مورد زجاج صحیح تر است که می گوید: «و سبب اتصاله به - ای اتصال الزجاج بالمعتضد - ان بعض الندماء وصف للمعتضد کتاب (جامع النطق) ۲۲ الذی عمله (محمد) الندیم، و هو محمد بن یحیی بن ابی عباد، و یکنی اباجعفر...». ۲۳

ص ۱۰۵: در اخبار محمد بن اسحق آمده: صاحب السیره

ص ۱۵۸: کتاب اخبار الابخر آمده که درست آن: الایجر است. ایجر لقبی است که به عبیدالله بن قاسم بن خبیه شاعر، و یا محمد بن قاسم (مکنی به اباطالب) از شعرای مکه، اطلاق شده است.^{۲۹}

ص ۱۷۸: اشکالات در این صفحه مربوط به اسامی برخی شاعرانی است که ابوسعید سکری اشعار آنها را جمع آوری کرده است؛ بدین قرار:

الف. النمر بن تواب. صحیح آن: النمر بن تولب است^{۳۰} که اشعار وی توسط دکتر نوری حموی قیسی (استاد دانشکده ادبیات دانشگاه بغداد) به سال ۱۹۶۹م جمع آوری و انتشار یافت.

ب. متمم بن بریر. صحیح آن: متمم بن نویره است. خانم دکتر ابتسام مرهون صفار (استاد دانشکده ادبیات دانشگاه بغداد) در مورد او و برادرش مالک بن نویره کتابی را با عنوان (متمم و مالک ابنانویه) - بغداد ۱۹۶۸ - تألیف نمود.

ج. بشر بن خازم. صحیح آن: بشر بن ابی خازم الاسدی است. دکتر عزه حسن، دیوان او را تصحیح کرد (دمشق ۱۹۶۰م) و مقدمه ای طولانی بر آن نگاشت.

د. جران العور. صحیح آن: جران العود است.^{۳۱} بغدادی صاحب خزانه الادب، حاشیه ای از یاقوت حموی بر مختصر جمهره ابن کلبی نقل کرده چنین می گوید: «جران العود، لقب شاعری جاهلی از بنی ضبه بنی نمیر بن عامر بن صعصعه است. نام او عامر بن حارث ابن کلفه یا کلداه است».^{۳۲} بروکلمان نیز به این مطلب تظن یافته و می گوید: «ادبای عرب او را از جاهلیون دانسته اند».^{۳۳} در حالی که به زعم کرنکو او شاعر اموی و معاصر عبدالله بن مروان بوده است...^{۳۴}

دیوان جران العود همراه با توضیحات به سال ۱۹۳۱م در دارالکتب المصریه چاپ شد.

ص ۱۸۱: در اخبار بشار بن برد، او به مرعث، ملقب شده در حالی که صحیح آن (مرعث) می باشد؛ زیرا مرعث لقب بشار بوده است...^{۳۵}

ص ۱۸۷: در اسامی زنان آزاد و برده نام «فضل الشاعره» (کذا)^{۳۶} آمده که صحیح آن «فضل الشاعره» است. وی جاریه ای بوده که در بصره متولد شده و مخصوص مردی از نحاسین کرخ به نام حسنویه بوده است. محمد بن فرج، برادر عمرو بن فرج رخجی وی را خریداری کرد و به متوکل اهدا نمود. ابن جاریه خوش سیما و خوش هیکل و ادیبی فصیح بوده و دارای طبع شعر.^{۳۷}

ص ۱۸۸: عمرو الحارکی. صحیح آن: عمرو الخارکی، منسوب به خارک یعنی جزیره ای بزرگ که در وسط دریا و

نزدیک ساخل [خلیج] فارسی قرار دارد.^{۳۸} دعبل ابن علی خزاعی در شعر خود - آنجا که شخصی را به نام خارکی بصری هجو می کند - از این جزیره یاد می کند. ابوالفرج [اصفهانی] شعر او را بدون ذکر انتساب آورده:^{۳۹}

و شاعر عرض لی نفسه
لخارک آباؤه تنمی

ص ۴۰۱: سلم الحاسر. صحیح آن: سلم الخاسر است. او سلم بن عمرو، اهل بصره و از شاعران حکومت عباسی و راوی و شاگرد بشار بن برد [شاعر معروف دوره عباسی] بوده است. در مورد وجه تلقب خاسر در کتاب اغانی و غیره، دلایل زیادی آمده است...

مستشرق آلمانی گوستاو گرانبوم، اشعار سلم را همراه اشعار دو شاعر دیگر یعنی مطیع بن ایاس و ابوشمقمق در کتابی با عنوان (شاعران عباسی) جمع آوری نمود. این کتاب توسط دکتر محمد یوسف نجم به عربی ترجمه و اعاده تصحیح شد و با مراجعه دکتر احسان عباس به چاپ رسید.^{۴۰} جز این، مهندس حاتم غنیم متون دیگری بر این مجموعه به عنوان استدراک و با نام (استدراکات علی النصوص الشعریه فی کتاب: شعراء عباسیون) در جمله مجمله اللغه العربیه اردن (مجلد اول، ش ۲، تموز ۱۹۷۸، ص ۷۹-۱۰۰) اضافه نمود.

۲۹. الاغانی، ج ۳، ص ۲۱۳ به بعد، دارالثقافه، چاپ دوم ۱۹۵۷.

۳۰. ر. ک: الشعر والشعراء، ج ۱، ص ۲۷۶، دارالثقافه، بیروت ۱۹۶۴؛ الاغانی، ج ۲۲، ص ۲۸۷.

۳۱. الجران: جلوی گردن شتر؛ العود: شتر پیر.

۳۲. خزانه الادب، ج ۴، ص ۱۹۸، طبع بولاق.

۳۳ و ۳۴. تاریخ الادب العربی، ج ۱، ص ۱۱۶، ترجمه عبدالحلیم النجار، چاپ دوم، قاهره ۱۹۶۸م.

۳۵. الاغانی، ج ۳، ص ۱۳۳.

۳۶. مصحح در فهرست اعلام نیز همان را ضبط نموده است.

۳۷. ر. ک: ک: طبقات ابن المعتز، ص ۴۲۶، تصحیح عبدالستار فراج، دارالمعارف (بلاتاریخ)؛ الاغانی، ج ۱۹، ص ۲۵۷ به بعد.

۳۸. الورقه، ص ۵۹، از ابن حجاج، تصحیح عبدالوهاب عزام و عبدالستار فراج، چاپ دوم، دارالمعارف (بلاتاریخ)؛ معجم البلدان (خارک).

۳۹. الاغانی، ج ۲۰، ص ۱۸.

۴۰. این کتاب را مکتبه الحیاه با مشارکت مؤسسه فرنکلین بیروت به سال ۱۹۵۹ منتشر ساختند.

ب. کتاب حد ما لم يتم فاعله. صحيح آن چنان که در نسخه (ف) و (م) نیز آمده: «حد ما لم يسم فاعله» است.

ص ۷ (سلمه بن عاصم): از کتاب های او: کتاب العلول فی النحو و در نسخه (ف): الحلول فی النحو آمده است. صحيح آن: المسلوک فی النحو است. (ر. ک: بغية الوعاء، ص ۲۶۰).
ياقوت (معجم الادباء، ج ۱۱، ص ۲۴۳) کتابی از او با عنوان المسلوک فی العربية ذکر نموده است.
ص ۷۵-۷۶ (اخبار ابن اعرابی)، در لیست اسامی کتب او آمده:

الف. کتاب تنسيق الامثال. که صحيح آن: تفسير الامثال است. ۵۲

ب. کتاب نوادر الدبيرين (نیز ص ۹۶). درست آن: نوادر الزبيرين. ۵۳

دکتر حسين نصار می گوید: «ابن اعرابی در نوادر، سه کتاب نوشته به اسم: النوادر، نوادر الزبيرين و نوادر بنی فقعس. ما جز از النوادر اطلاعاتی در دست نداریم». ۵۴

ج. کتاب الذباب. ۵۵ صحيح آن: کتاب الديات است. ۵۶
ص ۷۹: از کتاب های ابن سکيت، کتاب: المنطق ذکر شده که صحيح آن: اصلاح المنطق است، که در دو نسخه قبلی نیز آمده، این کتاب مشهور و معروف است ۵۷ و با تصحيح و شرح استادان: احمد محمد شاکر و عبدالسلام هارون دوبار به چاپ رسیده است. ۵۸ گفتنی است عنوان کتاب، کسانی را که موضوع

۴۱. انباه الرواه، ج ۲، ص ۹.

۴۲. همان، ج ۳، ص ۲۸۵.

۴۳. همان، ص ۲۸۶؛ در (ف) قامه الرئيس.

۴۴. همان، ص ۲۸۵.

۴۵. معجم الادباء، ج ۱۹، ص ۱۶۱.

۴۶. وفيات الاعيان، ج ۴، ص ۳۲۶.

۴۷. المعجم العربي، ج ۱، ص ۱۲۶.

۴۸. انباه الرواه، ج ۳، ص ۲۸۶.

۴۹. وفيات الاعيان، ج ۴، ص ۲۶۶.

۵۰. معجم الادباء، ج ۲۰، ص ۱۴.

۵۱. بغية الواه، ص ۴۱۱.

۵۲. انباه الرواه، ج ۳، ص ۱۳۱؛ معجم الادباء، ج ۱۸، ص ۱۹۶.

۵۳. انباه الرواه، ج ۳، ص ۱۳۱؛ معجم الادباء، ج ۱۸، ص ۱۹۶.

۵۴. المعجم العربي، ج ۱، ص ۱۴۱.

۵۵. ياقوت (معجم الادباء، ج ۱۸، ص ۱۹۶) نیز با همین عنوان از آن یاد کرده و نیز دکتر غره حسن در مقدمه اش بر کتاب (النوادر) از ابومسحل، ج ۱، ص ۲۸، دمشق ۱۹۶۱.

۵۶. انباه الرواه، ج ۲، ص ۱۳۱.

۵۷. ر. ک: معجم الادباء، ج ۲۰، ص ۵۲؛ وفيات الاعيان، ج ۵، ص ۴۴۲.

۵۸. این کتاب را دارالمعارف در مصر (چاپ سوم ۱۹۵۶م) انتشار داد.

۳. ملاحظاتى در اسامى کتاب ها

نصیب اسامی کتاب ها از تحريف، اگر زيادتر از نصیب اعلام نباشد، کمتر نیست:

ص ۵۵ (ربيعه البصرى): از کتاب های او کتاب (ماقيل فى الخيار من الشعر والزجر) مذکور است که صحيح آن: (ما قيل فى الحيات من الشعر والزجر) است. ۴۱ و کذا در نسخه (ف) و (م).
ص ۵۹ (ابوعبيده): تعدادی از کتب وی به صورت محرف آمده که ذیلاً آنها را با اشاره به اختلافات آنها در دیگر منابع بر شمریم:
الف. کتاب (جفره خالد). ۴۲ قفطی با عنوان (حفره خالد) یاد نموده است.

ب. کتاب معارات قيس و اليمن. قفطی آن را با عنوان مغارات قيس و اليمن ذکر کرده است.

ت. کتاب خبر ابني بغيض. قفطی: حرب بنی بغيض.

ث. کتاب القتال. قفطی: القبائل.

ج. کتاب نامه الرئيس. قفطی: نابه الرئيس. ۴۳

ح. کتاب القبائل. قفطی: القتالين.

خ. کتاب الاوفياء. قفطی: الارقاء.

د. کتاب الحاملين الحاملات. قفطی: الحاملين والحاملات.

ذ. کتاب تسميه من قبلت بنو اسد. قفطی: تسميه من قتل من بنی اسد.

ر. کتاب الفرارين. قفطی ۴۴ و ياقوت ۴۵ و ابن خلكان ۴۶: القرائن.

ز. کتاب حفير الخيل. منابع قبلی: حضر الخيل. حضر به

معنای جرى (=پرش) است. استاد ما، دکتر حسين نصار در

ارائه آثاری که در مورد خيل / اسب است گفته: «وله -لابی

عبيده- ثلاثة كتب فى الخيل و اسمائها و حضرها». ۴۷

س. کتاب الاعتان. منابع قبلی: الاعيان.

ش. کتاب الخسف. منابع قبلی: الخف.

ص. کتاب العلاويات. منابع قبلی: الملاويات.

ض. کتاب ادعياء العرب. منابع قبلی: ادعية العرب.

ط. کتاب الاحلام. منابع قبلی: الاحلام.

ظ. کتاب الاسنان. قفطی ۴۸ و ابن خلكان ۴۹: الانسان.

ص ۷۳-۷۴ (فراء) در لیست اسامی کتاب های او آمده سات:

الف. کتاب آله الکاتب. ياقوت ۵۰ و سيوطی ۵۱: آله الکتاب

آورده اند.



آن را نشناخته اند، به اشتباه انداخته و گمان می کنند که مباحث کتاب در علم منطق است، متوجه نیستند که آن کتاب لغت است و در مورد زایش و شیوع لحن و خطا در زبان عربی بحث می کند. جرجی زیدان در ترجمه ابن سکیت گفته: «... او بیست و اندی تألیف در نحو و لغت و منطق و شعر از خود به جای گذاشت و صاحب الفهرست آنها را ذکر نموده است.» ... ۵۹

تحریر نموده است. و با عنوان درست [من]، معنی، درست درمی آید و تاریخ هم رضایت می دهد. (همان، ص ۷۰).

یاقوت (معجم الادباء، ج ۱۹، ص ۲۸۹) و ابن خلکان (وفیات الاعیان، ج ۵، ص ۱۳۱) کتاب را به نام «ادعاء معاویه زیادا» وارد نموده اند که معنا و مفهوم آن روشن است!

ت. کتاب المعرفات من النساء فی قریش. یاقوت با همین عنوان آورده است، و استاد با عنوان المعرفات من النساء فی قریش آورده و گفته: «معروفات از: عرق الرجل اخذ شده یعنی اصیل و ریشه دار شد. اما معرفات در اینجا با معنا و مقام تناسب ندارد و لذا بر روایت صفدی تکیه نمود.» (همان، ص ۷۲)

ث. کتاب امثال حمیر. استاد [باشا] آن را اقیال حمیر ثبت نموده و گفته است: «در [کتاب] صفدی: اقیال (به باء) آمده است... و من روایت صفدی را اصلاح نموده به آن اعتماد کردم؛ زیرا مقام، اقتضای ذکر اوایل و از جمله آنها پادشاهان حمیر که به اقیال معروف اند دارد و شک نیست که کلمه امثال در فهرست ابن ندیم توسط ناسخ، تحریر شده است.» (همان، ص ۷۲)

ج. کتاب فحول خیل العرب. این کتاب را استاد (همان، ص ۷۴) با عنوان اسماء فحول خیل العرب ثبت نموده و یاقوت (معجم الادباء، ج ۱۹، ص ۲۹۰) با عنوان اسماء فحول العرب وارد کرده است.

چ. کتاب الغناء. استاد (همان، ص ۷۴): اللعناء. این کتاب از اضافات این نسخه از فهرست می باشد.

ح. مصحح، کتاب ذیل را نتوانسته به طور کامل بیاورد و این گونه ثبت نموده: کتاب ابن عاب و مع (کذا) حین سئله (کذا) عن العویص. استاد (همان، ص ۷۴): کتاب ابی عتاب الی ربیع حین سألته عن العویص؛ یاقوت (معجم الادباء، ج ۱۹، ص ۲۹۰) نیز همین عنوان را آورده است.

خ. کتاب من هاجر و ابوه. یاقوت نیز همین عنوان را وارد نموده است و استاد (همان، ص ۷۵): کتاب من هاجر و ابوه حی. به احتمال او، کلمه آخر از الفهرست، ساقط شده است.

د. کتاب منار الیمن. استاد (همان، ص ۷۶): منازل الیمن.

ذ. کتاب الحیره و تسمیه البیع و الدیارات و نسب العباد.

ص ۱۰۸-۱۱۰ (اخبار هشام کلبی و کتب او): آنچه در مورد کتب مذکور ابو عبیده اتفاق افتاده، در مورد تعدادی از کتاب های هشام کلبی نسابه و اخباری معروف نیز رخ داده است. اما شانس خوب کلبی این بود که خداوند برای او، مرحوم احمد زکی پاشا (مصحح کتاب الاصنام) را مقرر فرمود. کسی که به تصحیح و شناساندن کتاب و مؤلف اکتفا ننمود و اثر ماندگاری را به آثار سترگ قبلی خود در خدمت به تراش، افزود. آن مرحوم، چون به تحریفاتی که در برخی آثار ابن کلبی در الفهرست (چاپ فلوگل) پی برده بود، لیستی از مصنفات وی را با تکیه بر لیست مصنفاتی که در ذیل ترجمه اش در الوافی بالوفیات صفدی - که در آن زمان در دارالکتب الخدیویه به صورت خطی بود - بدان دست یافته بود، پیوست این کتاب الاصنام نمود و نظر و دیدگاه خاص خود را همراه با قرائنی که در اثبات اشتباهات صفدی و ابن ندیم موجود بود ارائه داد و لذا تعلیقات او مفید و سودمند واقع شد. با استفاده از این مطالب، تحریفات و اشتباهاتی که در کتب هشام رخ داده به شرح ذیل ارائه می شود:

الف. کتاب المغیرات. استاد [احمد زکی باشا] آن را به نام المغتربات ثبت نموده است. پیوست الاصنام، ص ۶۸.

ب. کتاب «تسمیه من نفل و عاد و ثمود و العمالیک و خیرهم (کذا) و بنی اسرائیل من العرب (کذا) و قصه الهجرین (کذا) و اسماء قبائلهم.» نام درست آن تسمیه من نفل من عاد و ثمود و العمالیک و جرهم و بنی اسرائیل و العرب و قصه هجرس و اسماء قبائلهم. چنانکه استاد (همان، ص ۷۰) آن را پس از تصحیح تحریفات که از طرق صفدی - از قدما - و فلوگل و مولر - از اجانب معاصر - دریافتی بوده به اثبات رسانیده است.

یاقوت نیز بخشی از آن را به اشتباه آورده: «... و بنی اسرائیل من العرب (کذا) ...» (معجم الادباء، ج ۱۹، ص ۲۸۹).

پ. کتاب ادعاء زیاد معاویه. استاد، آن را با عنوان ادعاء زیاد من معاویه آورده و البته صفدی [با اشتباه] با عنوان ادعاء زیاد بن معاویه آورده بود. آنگاه استاد در مورد عنوان ابن ندیم چنین می گوید: «این عنوان، خلاف تاریخ است، زیرا کسی که به (زیاد) معروف است همان معاویه است.» و در مورد عنوان صفدی گفته: «شکی نیست که کلمه (بن) را ناسخ از کلمه (من)

۵۹. تاریخ آداب اللغة العربیه، ج ۲، ص ۱۱۸، چاپ الهلال - قاهره ۱۹۱۲.

الم ترنا علی الیرموک فزنا
 کما فزنا بایام العراق
 قتلنا الروم حتی ما تساوی
 علی الیرموک مفروق الوراق
 فضضنا جمعهم لما استحالوا
 علی (الواقصه) البتر الرقاق

اما فحل، نام مکانی است در شام و نزدیک شهر بیسان (واقع در فلسطین اشغالی کنونی) که جنگ مسلمانان با روم در آنجا رخ داد. ۶۶ فحل، در الفتوح آمده و پس از فتح دمشق در یک سال، واقع شده است ۶۷ ...

ص ۱۷۲: در جایی که از آمدی سخن آمده، کتابی از وی با عنوان اصلاح ما فی معیار الشعر لابن طباطبا ذکر شده که صحیح آن: عیار الشعر است. نمی دانم در حالی که اسم این کتاب در کلام پیرامون علی ابن طباطبا (ص ۱۵۱) به درستی آمده، چگونه از یاد مصحح رفته است؟

گفتنی است این کتاب را دکتر طه حاجری و دکتر محمد زغلول سلام تصحیح نموده و در سال ۱۹۵۶م در قاهره به چاپ رسیده است. ص ۲۱۰-۲۱۱ (جاحظ):

الف. مصحح، نام درست یکی از کتب جاحظ را معلوم ننموده است، وی این کتاب را کتاب علم المرید گذاشته و در حاشیه گفته: «کذا فی الاصل، و فی معجم الادباء، ج ۱۶، ص ۱۰۷: عصام المرید».

حال آنکه عنوان صحیح کتاب، غنام المرتد است و خود جاحظ در مقدمه الحیوان به آن اشاره کرده: «ثم عبت انکاری بصیره غنام المرتد و بصیره کل جاحد و ملحد». ۶۸ جز این ما در مورد این کتاب غنام به جز گفته طبری مبنی بر اینکه غنام المرتد در سال ۳۲۵ سوزانده شده چیزی نمی دانیم. ۶۹

۶۰. العقد الفرید، ج ۵، ص ۲۱۲، تصحیح احمد امین و دیگران، لجنه التألیف والترجمه والنشر، قاهره ۱۹۵۶.

۶۱. ابن اثیر: الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۳۷۴-۳۷۶، قاهره ۱۳۴۸هـ.

۶۲. ر. ک: ایام العرب فی الجاهلیه، ص ۳۸۲-۳۸۷، اثر احمد جاد المولی و دیگران، قاهره، بدون تاریخ.

۶۳. همان، ص ۳۷۸-۳۸۱.

۶۴. تاریخ الطبری، چاپ اروپا، ج ۵، ص ۲۰۸۵، ۲۰۸۸، ۲۰۹۱، ۲۱۲۷ و غیره.

۶۵. معجم البلدان (واقصه).

۶۶. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۲۴۵-۲۱۴۷ و نیز ۲۱۵۴-۲۱۵۸.

۶۷. معجم البلدان (فحل).

۶۸. نخط، شبیه زفر، صدای اسب. الحیوان، ج ۱، ص ۹.

۶۹. تاریخ طبری، جزء ۳، ۱۳۰۲، چاپ اروپا و چاپ استقامه، ج ۷، ص ۳۰۲.

استاد (همان، ص ۷۷): کتاب الحیره و تسمیه البیع و الدیارات و نسب العبادیین.

ر. مصحح نام کتاب ذیل را به درستی معلوم ننموده و به مانند خود مخطوط، ثبت نموده؛ با این عنوان کتاب یوم سف کذا این کتاب را استاد: سیف-نام مکانی-ثبت نموده (همان، ص ۷۸) و در حاشیه خود بر نسخه (ف) نوشته است: «سنیق (کذا) را یاقوت (ج ۱۹، ص ۲۹۱) آورده با این گفتار که: در مورد این روز، اثری نیافتیم و لذا بر روایت صفدی مبنی بر اینکه آن نام مکان است، تکیه نمودم و یاقوت نیز چندین مکان را به این اسم یاد نموده است.»

حقیقت این است که در مراجعه به منابع مربوط به ایام عرب، روزی با نام روز «سیف» یا «سنیق» نیافتیم، اما نام شقیق را که مربوط به بکر علی تمیم است، در این منابع یافتیم. شقیق، نام آبی از بنی اسیدبن عمرو بن تمیم است. ۶۰ به علاوه، نام روز شقیقه را که بین شیبان و ضبه است پیدا نمودم. شقیقه، زمینی سخت بین دو کوه رمل واقع است. ۶۱ شاید عنوان کتاب یاد شده، از یکی از این دو روز به ویژه از شقیق، محرف، باشد. ۶۲ ز. کتاب الکلاب، و هو یوم النشاش. در نسخه (ف): السنابس و نیز در معجم الادباء (ج ۱۹، ص ۲۹۱). استاد: کتاب الکلاب، و هو یوم النسناس ثبت کرده و گفته است: «به یاقوت و ابن اثیر و العقد الفرید مراجعه کردم، ولی کسی یافت نشد که این لفظ را در باب روز کلاب ذکر کرده باشد» (همان، ص ۷۸).

لیکن بنده در مفضلیات، ص ۳۶۳-۳۶۴ و کامل ابن اثیر، ج ۱، ص ۳۷۶ و العقد الفرید، ج ۵، ص ۲۴۸ به روزی با نام یوم النسار برخورد کردم که این مخصوص ضبه و تمیم علی بنی عامر است. نثار: کوه های کوچک و مجاور یکدیگر را گویند و نیز آبی از بنی عامر. ۶۳ بنابراین عنوان کتاب یاد شده از این «یوم النسار»، محرف شده است.

ص ۱۱۵: در شمار کتب مدائنی در فتوح دو کتاب از او یاد شده: یکی در خبر الباقوصه و دیگر در خبر فحل که در درست آن دو: واقوصه و فحل است. واقوصه چنانکه یاقوت گفته: بیابانی است در شام در ارض حوران که مسلمانان در روزگار ابوبکر صدیق برای حمله به روم به آنجا رفتند. ۶۴ قعقاع بن عمرو نیز در شعر خود از آن یاد کرده است: ۶۵



ب. در صفحه ۱۱۱ کتابی با عنوان الحجة النبوه ۷۰ آمده که اسم [درست] کتاب، چنانکه خود جاحظ ذکر نموده: الحجة فی تثبیت النبوه ۷۱ است که با نام کتاب الحجة نیز از آن یاد کرده است. ۷۲

این کتاب با عنوان حجج النبوه در هامش کتاب الکامل مبرد به سال ۱۳۲۳ هـ قاهره به چاپ رسیده است؛ جزء اول: ص ۲۷۵-۲۹۶ و جزء دوم: ص ۱۱۷-۱۱۸. سپس رشر ۷۳ آن را در شهر اشتوتگارت در سال ۱۹۳۱ در کتابش: Escepte U. Uberstzungek, pp. 112 انتشار داد. ۷۴ همچنین استاد حسن سندویی در رسائل الجاحظ، المطبعة الرحمانیه: قاهره ۱۹۳۳، ص ۱۱۷-۱۵۴ آن را منتشر ساخت. د. رساله فی الرد علی الخولیه. که استاد سندویی آن را با عنوان رساله فی الرد علی القولیه منتشر ساخته است. ۷۵ لیکن هر دو عنوان صحیح نیست، چه خود جاحظ در مقدمه الحیوان می گوید: «... و زعمت ان مقاله الزیدیه خطبة مقالة الرافضه و ان مقاله الرافضه خطبه مقاله (الغالیه)». ۷۶ و در ادامه گفته: «وهلا كنت عندك من (الغالیة) لحکایتی حجج الغالیه». ۷۷

۴. ملاحظاتی در اشعار

مصحح، اشعار وارد در کتاب را مصدربایی ننموده است. به گمان من انجام این کار از اولین شروط و ضروریات تصحیح علمی است تا کار مصحح کامل و یا نزدیک به حد کمال باشد. مصدربایی اشعاری که در الفهرست آمده، بار سنگینی نیست، زیرا آنها کم اند و اگر مصحح به انجام آن می پرداخت از لغزش ها و هفوات بسیار در وزن و ضبط و نیز تصحیف و تحریف الفاظ به دور می ماند.

ص ۵۰: بیت شاعر جناد بن واصل کوفی به این شکل آمده: (ان) كنت لا تدرين ما الموت فانظري الى دير هند كيف خطت مقابره
که درست آن: (فان) كنت ... است. در این صورت وزن بیت که در بحر طویل است، مستقیم می شود.
عجیب است که همین بیت در اخبار جناد (ص ۱۰۴) به صورت صحیح، ضبط شده است.
در ص ۶۲:

... وافضن بعد كظومهن بحره ۷۸

من ذی الأبارق اذا رعین حقیلاً ۷۹

که صحیح آن بجره است. ۸۰

ص ۷۳: ابیات منحصر به فردی از فراء به این شکل آمده: ۸۱

یا امیر اعلی جریب من الا

رض، له تسعه من الحجاب

جالسا فی الخراب یحجب عنه
ما سمعنا بحاجب فی خراب
لن ترانی لك العیون بیاب
لیس مثلی یلیق رد الحجاب

شطر اول از بیت اول، می بایست به شکل «یا امیر اعلی جریب من الار» بیاید تا وزن بیت که در بحر خفیف است، درست در آید.

اما سیوطی این ابیات را به این نحو روایت کرده: ۸۲

لن ترانی لك العیوب بیاب

لیس مثلی یطیق ذل الحجاب

یا امیرا علی جریب من الار

ض، له تسعه من الحجاب ۸۳

جالسا فی الخراب یحجب فیه

ما رأینا اماره فی خراب

در ص ۱۰۲ شرقی بن قطامی این بیت آمده:

ما كنت و كواکالا و ابن افك ۸۴

رویدك حتی یبعث الخلق باعته

وزن قسمت اول بیت (بحر طویل)، مختل است. صحیح

بیت چنانکه ابن منظور آن را به خانمی منسوب کرده که در نثای

شهرش سروده، چنین است: ۸۵

لیست بوکواک و لایزونک

مکانك حتی یبعث الخلق باعته ۸۶

۷۰. صحف فی معجم الادیاب، ج ۱۶، ص ۱۰۸ تا کتاب الحجر والنبوه.

۷۱. الحیوان، ج ۱، ص ۹.

۷۲. همان، ج ۷، ص ۳۰۲.

73. Rescher.

۷۴. بروکلیمان، تاریخ الادب العربی، ج ۳، ص ۱۱۲.

۷۵. همان، ج ۲، ص ۱۲۲؛ یا قوت، ج ۱۶، ص ۱۱۰.

۷۶. الحیوان، ج ۱، ص ۷.

۷۷. همان، ص ۱۱.

۷۸. در معجم البلدان (حقیل) آمده که به گمانم تصحیف شده است.

۷۹. حقیل: بیابانی در دیار بنی عکله (ر. : معجم البلدان - حقیل).

۸۰. ر. ک: جمهره اشعار العرب، ص ۲۳۲؛ شعر الراهی التیمی و اخباره،

ص ۱۳۲، به کوشش ناصر حانی، دمشق ۱۹۶۴؛ انباه الرواه، ج ۲،

ص ۳۲۱؛ در لسان العرب (جرد) آمده: الجره: جره البعیر حین یجترها

فیقرضها ثم یکظمها؛ جوهری گفته: مایخرجه البعیر جرته.

۸۱. بغیه الوهاه، ص ۴۱۱.

۸۲. همان، ص ۴۱۲.

۸۳. الجریب من الارض: مقدار معلوم الذراع والمساحة وهو عشره اقفره

(لسان العرب - جرب).

۸۴. در (ف) و (م): اویل.

۸۵. لسان العرب (وکک) و (زنک).

۸۶. الوکواک: الجبان. الزونک: القصیر الدمیم.

در ص ۱۰۳، بیت عدی بن زید چنین آمده:

لیس علی المنون بیاق
غیر وجه المسیح الخلاق
که صحیح آن چنین است:

لیس حلی علی المنون بیاق
غیر وجه المسیح الخلاق

این بیت از قصیده‌ای است که عدی آن را برای نعمان بن منذر - هنگامی که عدی را زندانی کرده بود - فرستاد.^{۸۷}

ص ۱۰۴ (اخبار حماد). اشعار محمد بن کناسه در رثای حماد به این شکل آمده:

ابعدت من نومك الغرار فما
جاوزت حيث انتهى بك القدر
لو كان ينجي من الردى حذر
نجاك مما اصابك الحذر
يرحمك الله من اخ يا ابا
القاسم ما في صفاته كدر
فكهذا يفسد الزمان ويضيء

العلم منه ويدرس الاثر

یا قوت^{۸۸} و این خلکان^{۸۹} صرفاً سه بیت آخر را با کمی اختلاف ذکر کرده‌اند. بیت سوم، چنین آمده:

یرحمک الله من اخي ثقه
لم يك في صفو وده كدر
وبیت آخر:

فكهذا يفسد الزمان و يف
نى العلم فيه، و يدرس الاثر

در این صورت وزنی که مصحح به شکل مختل آورده بود، مستقیم می‌شود.

در ص ۱۲۳ اخبار زبیر بن بکار در بیت:^{۹۰}

عف الصبی متجمل الصبر
یرجو عواقب دوله الدهر

کلمه صبی را مصحح با صاد مشدد و مفتوح آورده که درست آن: الصبی (مشدد و مکسور) است تا معنای مقصود که همان جوانی و ایام آن است به دست آید.

ص ۱۳۵: بیت دوم از ابیات سه گانه عتبی به این شکل آمده:

فیکون الجواب منی الی الحاجب
ما ان اردت الا السلاما

که صحیح آن:

فیکون الجواب منی الی الحا
جب، ما ان اردت الا السلاما

تا وزن بیت که در بحر خفیف است، مستقیم شود.

ص ۱۵۷ اخبار اسحق بن ابراهیم موصلی:

دو بیت ذیل از شاعر ادیس بن ابوحفصه (برادر شاعر مروان بن ابی حفصه) در رثای اسحاق بن ابراهیم موصلی به این شکل آمده:

سقی الله یا ابن الموصلی بو ابل
من الغیث قبرا انت فيه مقیم
ذهب فاحشت الکرام ورعتهم
فلا غرو ان یبکی علیک حمیم

اما ابو الفرج اصفهانی بیت دوم را این گونه ضبط کرده است:^{۹۱}

ذهب فاحشت الکرام، فماینی
بعبرته یبکی علیک کریم

و بیت سومی را نیز آورده:

الی الله اشکو فقد اسحاق انی
و ان کنت شیخاً، بالعراق یتیم

۵. ملاحظاتی پیرامون الفاظ، جملات و عبارات

علاوه بر آنچه عنوان شد، الفاظ، جملات و عباراتی در کتاب آمده که پس از تأمل در آنها، به منابعی دیگر مراجعه نمودم تا صحیح آن را مشخص نمایم و در مورد ترجیح صحت مابقی بر دو نسخه دیگر و نیز دیدگاه خود، اعتماد کردم. این موارد به قرار ذیل اند:

ص ۷۴ (الطوال): قال ابو العباس ثعلب: «كان الطوال حاذقاً بالقا العربیه». شاید عبارت قفطی^{۹۲} و سیوطی^{۹۳} صحیح تر باشد که گفته‌اند: «كان الطوال حاذقاً بالقاء المسائل العربیه».^{۹۴}

ص ۷۸: در اخبار (نزرچ) عروضی این عبارت آمده: «وكان كذابا، كثيرا يحدث بالشئ. عن رجل ثم عن غيره» (سوء نقطه گذاری راهم بنگرید!).

این عبارت اگر این گونه نباشد: «وكان كذابا، كثيرا يحدث بالشئ عن رجل ثم عن غيره» چنانچه قفطی نیز آورده: «وكان كذابا، يحدث بالشئ عن رجل» (ف) و (م)؛ اما به نظر من صحیح عبارت این چنین است: «وكان كذابا كبيرا، يحدث بالشئ عن رجل، ثم عن غيره» یا «ثم يحدث به عن غيره».^{۹۵}

۸۷. الاغانی، ج ۲۱، ص ۱۵۱.

۸۸. معجم الادیاء، ج ۱، ص ۲۶۶.

۸۹. وفيات الایمان، ج ۱، ص ۲۶۶.

۹۰. ابیات در (ف) مشوش است.

۹۱. الاغانی، ج ۵، ص ۳۹۴ (ترجمه مروان بن ابوحفصه).

۹۲. اتباه الرواه، ج ۱، ص ۹۲.

۹۳. بقیه الوعاه، ص ۲۰.

۹۴. در معجم الادیاء، ج ۱۱، ص ۲۴۳: «كان سلمه - سلمه بن عاصم - حافظا لتأديه ما في الكتب، والطوال حاذقاً بالعربیه.»

۹۵. اتباه الرواه، ج ۱، ص ۲۴۱.



متی شرع هذا الرجل العبقري - ابن النديم - بعمله، لان المأخذ ١٠٣ التي من شأنها الكشف عن مثل هذه الغوامض ساكنه لم تكثر (كذا) بها ...». شك ندارم که مصحح در اینجا با آوردن (تکرث) خواسته است مفهوم «تکرث» را برساند؛ غافل از اینکه «کرت» با «اکثرت» متفاوت است. کرت الامر، یکرثه و یکرثه و اکثره یعنی: کار بر او سخت آمد و به مشقت افتاد. نیز گفته شده: ما اکثرثی هذا الامر؛ یعنی این کار مرا به سختی نینداخت. ولی اکثرث، یعنی: توجه و دقت نمود. ١٠٤

اما بخش دوم اشکالات شامل برخی خطاهای نحوی در کتاب است که ریشه آن ناسخان و کاتبان بوده است. آنچه موجب ستایش کار مصحح است، اینکه وی به پاره ای از این خطاها - که همزمان در دو نسخه (ف) و (م) رخ داده - آگاهی یافته است. مانند آنچه در ص ٢٠ آمده: «هؤلاء القوم (مختلفی اللغات، (مختلفی) المذاهب ولهم اقلام عده». که مصحح توجه کرده که دلیلی برای نصب کلمه (مختلفی) نیست و در ملاحظات خود در ذیل کتاب (ص: ب) آن را ضبط نموده است. جز این مصحح متوجه بسیاری از این دست خطاها نگردیده، حال آنکه در دو نسخه دیگر به صورت صحیح آمده اند. [از جمله] این خطاها بدین قرارند:

ص ١٣: «يقال رداء الخط (احد) الزمانتين». درست آن: «احدی الزمانتين» است.

ص ٧٦ (اخبار ابن اعرابی): «... وله من الكتب، كتاب

٩٦. ر. ک: وفيات الايام، ج ٣، ص ١١٤.
٩٧. یا: حرف ندا، منادا: ولدهاست که محذوف است. بآبی: جبار و مجرور متعلق به فعل محذوف، تقدیر آن: اخذیک است. خب یعنی ذوالخدا.

٩٨. معجم الادباء، ج ١٦، ص ٦٠؛ المزهر، ج ٢، ص ٤٢٨؛ و در (م): بابا و شبا
وعاش حتی دبا
شیخاً کبیراً احباً

٩٩. معجم الادباء، ج ١٦، ص ٦.
١٠٠. انباه الرواه، ج ٣، ص ١٣٠؛ بنيه الوهاه، ص ٤٣.
١٠١. معجم الادباء، ج ١٦، ص ٦٢.

١٠٢. یاقوت از متن ابن ندیم در مقدمه اش (ص ٣) - چنانکه در مقدمه این مقال نقل کردم - اینگونه دریافته که مؤلف، تصنیف کتاب را از سال ٣٧٧ هـ آغاز کرده است (معجم الادباء، ج ١٨، ص ١٧). بروکلیمان نیز همین نظر را دارد (تاریخ الادب العربی، ج ٣، ص ٧٢).

١٠٣. ایرانی ها واژه مأخذ را به معنای منبع یا مرجع به کار می برند. پاره ای از نویسندگان و پژوهشگران عرب نیز گاهی در همین معنی استعمال می کنند.
١٠٤. لسان العرب (کرت).

ص ١٠٥: در (اخبار ابن اسحق) این عبارت آمده: «یحلی ان امیر المدینه رقی الیه ان محمداً یغال (کذا) النساء فامر باحضاره». درست آن: «... ان محمداً یغازل النساء» است. به گمان قوی این جزء خطاهای مطبعی بوده است.

ص ١٢٥: در (اخبار عمر بن شبهه) آمده: شبهه، لقب او بوده ٩٦ زیرا مادرش او را می رقصاند و می گفت:

یا بآبی و شبا

وعاش حتی دبا.

شیخاً کبیراً احباً ٩٧

یاقوت نیز به همین شکل آورده است، ٩٨ که صحیح آن چنین است:

یا بآبی و شبا وعاش حتی

دبا شیخاً کبیراً احباً

همچنین در اخبار او عبارت: «ومات عمر بن شبهه بسرمری» آمده که صحیح آن «بسر من رأی» یا «سامرا» است. یاقوت گفته: «ومات عمر بن شبهه بسامرا». ٩٩

در اینجا ذکر این نکته گفتنی است که «سر من رأی» در این نسخه از فهرست، در بسیاری جاها به «سرمری» تصحیف شده است. از جمله در ص ٧٥ آمده که ابن اعرابی «ومات بسرمری و قد جاوز الثمانین» که درست آن: مات «بسر من رأی» است. ١٠٠ چنانچه در نسخه (ف) و (م) آمده است. (نیز بنگرید به اخبار عمرو بن بابه، ص ١٦٢ و ...).

همچنین در ابیات وارده توسط ابن ندیم که آنها را از احمد بن عمر بن شبهه دانسته، مصحح کلمه (عزله) در بیت آخر ذیل را به فتح عین به جای ضم آورده است:

فیقعده للشؤم فی (عزله)

من الناس ینظر فی دفتر ١٠١

ص ١٢٩ (مأمون): «وهو ... اعلم الفقهاء بالفقه والكلام» شاید عبارت نزدیک به صواب این باشد: «اعلم الخلفاء بالفقه و الكلام»؛ چنانچه در (ف) و (م) آمده.

ص ٣٦٤ (اسماء كتب الهند): «كتاب کلیله و دمنه و هو سبعة عشر باباً و یكون (كذا) ثمانیه عشر باب». که صحیح آن «... و قیل: ثمانیه عشر باباً» است چنانکه در (ف) و (م) آمده.

٦. ملاحظات لغوی و نحوی

ملاحظات لغوی و نحوی بر دو بخش اند: یکی مربوط به لغت خود مصحح است و دیگر مربوط به اصل کتاب می شود و مصحح از آن غافل مانده است. از جمله اشکالات بخش اول، این قول مصحح (ص ١) است: «ومع اننا لا نعرف بالضبط ١٠٢

۷. ملاحظات املاتی و مطبعی

زبان عربی و فارسی هر یک دارای قواعد ویژه در کتابت و املاء هستند و رعایت آنها و عدم عدول از آنها ضروری است. اما مصحح در انتشار کتاب الفهرست، بسیاری از قواعد املایی و نوشتاری زبان فارسی را مورد استفاده و توجه قرار داده است. با توجه به زبان کتاب که عربی است، اینکار صحیح نمی باشد. نمونه ها را بنگرید:

۱. از جمله بیشترین کاربرد و استعمال عبارات در این کتاب، عبارت «ان شاء الله» است که مصحح به شیوه فارسی «انشاء الله» ضبط نموده که در زبان فارسی غیر جایز است، زیرا کلمه (انشاء) معنایی غیر از معنای «ان شاء» می دهد. (از جمله بنگرید به صفحات ۴۲۵، ۵۶، ۱۱۹، ۱۵۴، ۱۷۸، ۱۸۳، ۲۲۶، ۳۰۵، ۳۱۵، ۳۶۳ از کتاب.)

۲. از کلماتی که در عربی به صورت جدا نوشته می شوند و مصحح آنها را به صورت پیوسته ضبط نموده اینها هستند:

الف. ص ۱۱۴، سطر نهم: کتاب اخبار ایطالب.

ب. ص ۱۶۸، سطر اول: جعفر بن ایطالب.

ج. ص ۲۳۸، سطر ۱۲ و ۱۸: علی بن ایطالب «علیه السلام» و «عقیل ابن ایطالب».

د. ص ۲۰۲، سطر ۲: وقرأت بخط ابی عبدالله بن عبدوس.

س. ص ۲۷۷، سطر ۹: احمد بن ابی عبدالله.

۳. موارد ذیل را شاید بتوان از این خطاها یعنی رعایت املای فارسی در مورد کلمات عربی به حساب آورد:

الف. ص ۱۶۵، سطر ۵: قرائت بخط عبدالله ... به جای:

قرأت ...

ب. ص ۲۰۸، سطر ۲۰: ... کتاب قرئه؛ به جای: قرأه.

ج. ص ۸۵، سطر ۱۹: ... وسئلت عن هذا الكتاب جماعه ...

به جای: سألت.

د. ص ۱۰۲، سطر ۳: فستله عن الاخبار المتقدمه ... به

جای: فسأله ... (نیز بنگرید به: ص ۳۰۵، ۱۱۲، ۳۳۰ و غیره)

اما در مورد خطاهای مطبعی باید گفت که علی رغم اهتمام مصحح به اصلاح آن در جدول خطا و صواب (پیوست کتاب) باید گفت که کتاب باز هم مملو از خطاهای چاپی است که از دید هر خواننده ای پنهان نمی ماند.

خاتمه و اقتراح

شکی نیست که ملاحظات دیگری به جز اینها وجود دارد؛ زیرا موضوعات کتاب متعدد و ابواب آن زیادند، و کسی نمی تواند ادعا کند که همه آنها را جمع آوری نموده و یا استقصا کرده است.

النوادر، رواه عنه جماعه منهم الطوسی و ثعلب و غیرهما، و قیل انه اثنا عشر (کذا) روایه، و قیل: تسعه (کذا)».

درست آن «اثنا عشره روایه» و «تسع» است.

ص ۸۶: (سکری): «و عمل السکری اشعار جماعه من الفحول، و قطعه من القبائل، فمن عمل من الشعراء امرؤ القیس (والنابتین) ...» صحیح آن: «والنابتان ...».

ص ۱۳۲: در اخبار عبدالله بن مفتح آمده: «وکان احد الثقله من اللسان الفارسی الی العربی مضطلعا بالغتین، (فصیح) بهما ...». که درست آن: (فصیحاً) بهما ... است.

ص ۱۷۲: در کتب آمدی آمده: «کتاب فی تفضیل شعر امرؤ القیس (کذا) علی الجاهلین». که درست آن: «کتاب فی تفضیل شعرا می القیس ...» است.

ص ۱۷۳: در اخبار رازی که از مؤلفین در شطرنج بوده و غیر از ابوبکر رازی معروف است آمده: «... وکان نظیراً للعدلی (من الفوا فی الشطرنج ایضاً) وکانا جمیعاً (یلعبون) بین یدی المتوکل». که صحیح آن: «وکانا جمیعاً یلعبان ...» است.

ص ۱۸۳: (آل ابوالعتاهیه): «فمنهم ... عبدالله بن محمد ابی العتاهیه، شاعر و مقدار شعره خمسين (کذا) ورقه. ابوسوید عبدالقوی بن محمد بن ابی عتاهیه شاعر مقدار شعره خمسين (کذا) ورقه» که صحیح آن: خمسون ورقه است.

ص ۱۸۳: (آل طاهر بن الحسین): «ابوالحسین طاهر بن الحسین، شاعر و مقدار شعره خمسين (کذا) ورقه. محمد بن عبدالله بن طاهر، شاعر و مقدار شعره سبعین (کذا) ورقه». که صحیح آن: «خمسون ورقه» و «سبعون ورقه» است.

ص ۳۰۰: سطر اول: «فجمع فیها العلم والعلماء وبنی بها اثنا عشر (کذا) قصر اعلی عده بروج السماء ...» که صحیح آن: «و بنی بها اثنی عشر قصرأ ...» است. درست است که مصحح به وجود این اشتباه پی برده و در هامش گفته: «کذا فی الاصل». اما این عبارت کافی نیست. چه بر مصحح است که آنچه را درست می انگارد در متن، ضبط کند و خطایی را که در نسخه اصل آمده، در هامش بر شمرد.

مصحح در اخبار یحیی ابن زکریا (ص ۲۸۲) چندین بار این اشتباه را تکرار کرده است. او در متن، این عبارت را ضبط نمود: «مات بالمداثن وهو قاضی (کذا) بها ...» یعنی کلمه قاضی را در اصل با یاء آورده و در هامش گفته: «کذا فی الاصل باثبات الیاء». که این کار نیز صحیح نمی باشد. چرا که بایسته می بود که عبارت در متن به این صورت می آمد: «مات بالمداثن وهو قاض فیها ...» و در هامش به اصل اشاره می شد.



ارائه ملاحظات خود پردازند تا در نتیجه سهمی در رهاسازی این منبع اساسی از تحریف و تصحیف داشته باشند. ۱۰۷

۱۰۵. ر. ک.: بروکلان، تاریخ الادب العربی، ج ۲، ص ۷۳-۷۴.
۱۰۶. المصون فی الادب، ص ۱۲۱؛ بغیه الواه، ص ۲۰. ابن مکتوم گفته که نام او محمد بن عبدالله است. (انبیاء الرواه، ج ۱، ص ۹۲، هامش).
۱۰۷. پیرامون ابن ندیم (ترجمه و شرح حال، زندگانی، تولد و وفات، لفظ ابن ندیم) و نیز کتاب الفهرست و نسخه ها و تصحیحات مختلف و کتابشناسی آن از جمله به این منابع مراجعه فرمایید:
- پایگاه ابن ندیم در کتابشناسی، محمدحسین ساکت، مشهد، انتشارات جاوید، چاپ اول ۱۳۶۸؛
- دایره المعارف بزرگ اسلامی، مدخل ابن ندیم، حسین انصاری، ج ۵، ص ۴۸۴۳؛
- ابن ندیم صاحب فهرست و خاندان او، محمد واعظ زاده خراسانی، مجموعه مقالات کنگره بین المللی کتاب و کتابخانه در تمدن اسلامی، دفتر چهارم، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول ۱۳۸۳، ص ۱۷۰۶ به بعد؛
- «ابن ندیم، کتاب شناس و فهرست نگار»، حسن انصاری، همان، ص ۱۷۲۵ به بعد؛
- «پژوهشی در مآخذ الفهرست ابن ندیم»، سید جلال ساغر وانیان، همان، ص ۱۷۳۵ به بعد؛
- مقاله ای در مجله جهان کتاب (مهر-آبان ۸۱) ص ۲۵؛
- مقاله ای در مجله آینه میراث ش ۱۳ تابستان ۸۰، ص ۸۷ به بعد؛
- «کتاب الفهرست للندیم المعروف خطاً بابن الندییم...»، دکتر محمدجواد مشکور، مجله مجمع اللغة العربیه، دمشق، مجلد ۵۲، شماره ۲، آوریل ۱۹۷۷ م، ص ۲۳۶ به بعد؛
- «تاریخ وفاه ابن الندییم»، دکتر رودلف زلهایم، تعریب استاد حسام صغیر، مجله مجمع اللغة العربیه، دمشق، مجلد ۵۰، شماره ۳، ژوئیه ۱۹۷۵، ص ۶۱۳ به بعد؛
- «کتاب الفهرست لابن الندییم» (مخطوطات)، دکتر پایاردوج، مجله مجمع اللغة العربیه بدمشق، مجلد ۴۵، اکتبر ۱۹۷۰ م، ص ۸۱۰ به بعد؛
- مقالات متعدد در:
- Zeitschrift der Morganlandischen Gasellschaft (ZDMG)
از جمله مقاله:
- Über Muhammad ibn ishaks fihrist al-ulum
از دکتر گستاو فلوگل در مجلد ۱۳، ۱۸۵۹، صفحات ۵۵۹-۶۵۰ از همان مجله؛
و نیز مقاله:
- Beitrage ZUR Erklarung des Kitab al-fihrist
از گلدزیهر، همان مجله، مجلد ۳۶، ۱۸۸۲ م، صفحات ۲۷۸-۲۸۴؛
و نیز مقاله:
- Neue Materialian ZUM Fihrist
توسط: جوهان فوک، همان مجله، مجلد ۱۵، شماره ۲، ۱۹۳۶، صفحات ۲۹۸-۳۲۲، پیرامون نسخه معروف تونک واقع در راجستان هند؛
و نیز مقاله:
- Philogika, Uberlie Ferung des fihrist in Dey Islam
توسط هملوت ریتز، همان مجله، مجلد ۱۷، شماره ۱، ۱۹۲۸، صفحات ۱۵-۲۳؛
و نیز مقاله:
- Islamie Research Association Miscellany
توسط آربری، همان مجله، مجلد ۱، ۱۸۴۸، صفحات ۱۹-۴۵، پیرامون نسخه چستریتی. مترجم.

بدین روی من از مصحح [مرحوم] به جهت آنچه بیان شده و نیز آنچه در کشف آن توانایی داشته و آنچه را نتوانستم بیان دارم عذر و پوزش می خواهم. در این راستا خود مصحح در مقدمه کتاب در تأیید گفته قبلی پیشنهاد داده که مؤسسات رسمی و غیر رسمی مرتبط با تراث اسلامی و عربی در تشکیل و ایجاد لجنه ای از متخصصین در انواع علوم مربوط به کتاب الفهرست، اقدام نمایند. وظایف پیشنهادی من در مورد این لجنه بدین قرار است:

۱. جستجو در مورد مخطوطات دیگر کتاب، ۱۰۵ قبل از آغاز تصحیح جدید.
۲. بررسی دقیق اسامی اعلام و القاب مختلف آنها و اسامی کتاب ها در موضوعات مختلف آن و ارجاع تمامی آنها به منابع دیگر. این کار به جهت کثرت و وقوع تحریف و اشتباهات در چاپ های سه گانه قبلی است.
۳. مصدریابی اشعار وارد در کتاب و تصحیح تحریفات واقع شده در ضبط و الفاظ و مانند آن.
۴. از بهترین و بایسته ترین کارهایی که برای محققین و پژوهشگران تراث می توان کرد، این است که اعضای این لجنه در تمامی تخصصات خود تمامی کتب و دواوینی را که صاحب الفهرست به آن اشاره کرده، با موشکافی استقراء و اشعار تمامی شاعران را جمع آوری نمایند. و در صورت مخطوط بودن به آنها اشاره نموده مکان نگاهداری آنها را ذکر کنند، به مانند روش بروکلان در کتاب تاریخ ادبیات عربی و نیز استادم دکتر حسین نصار در کتاب ارزشمندش (المعجم العربی) و نیز دکتر فؤاد سزگین در کتابش (تاریخ التراث العربی) و غیره.

انجام چنین کاری که بزرگ ترین خدمت به شمار می رود و در آن به آثار مخطوط و مطبوع بسنده نمی شود، موجب خواهد شد که تلاش های پی در پی در تصحیح و انتشار کتب و دواوین و جمع آوری اشعار شاعران افزایش یابد.

۵. براساس منابع موثق، نواقص و اشتباهاتی که در اسامی اعلام و کتاب ها و نیز در تاریخ تولدها و وفات ها و مانند آن رخ داده تکمیل و اصلاح شود.

مانند آنچه در اخبار الطوال (ص ۷۴) آمده که نوشته شده: «واسمه...». که این نقیصه و جافتادگی را می توان با مراجعه به اخبار الطوال در منابع دیگر ۱۰۶ که نام او را احمد ابن عبدالله متوفی به سال ۲۴۳ هـ ذکر کرده اند، تکمیل نمود.

من به جهت دلایلی که گذشت، ادعای این را ندارم که تمامی اشکالات کتاب را احاطه و برشمردم، بلکه آنچه را به نظرم رسید اشاره نمودم. با این امید که متخصصان دیگری به